

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۲۶.۰۷.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟ (۷۸)

خشم یک سرباز افغان:

به تاریخ ۱۴ جولای یک سرباز اردوی دولت پوشالی به نام طالب حسین که ۲۱ سال عمر داشت و اهل ولسوالی جاغوری ولایت غزنی بود، به تاریخ ۱۳ جولای، در ولسوالی نهر سراج ولایت هلمند بر سربازان اشغالگر انگلیسی مستقر درین ولایت حمله کرد و سه تن از سربازان انگلیسی را کشت و بعد این سرباز موفق به فرار شد و به نیرو های طالب پیوست. گفته شد که این سرباز هزاره است و قبلاً با طالبان رابطه نداشته است. چندی قبل نیز یک سرباز افغان در نادر علی هلمند بر انگلیس ها آتش کرد و چند تن از آنان را زخمی کرد. با این حمله بند دل نیرو های انگلیسی لرزیده و حیران اند که این را چگونه کنترل کنند.

علت اصلی چنین حملاتی از سوی نیرو های مسلح دولت بر نیرو های انگلیسی این است که انگلیس ها نیرو های افغان را چون مزدور پنداشته و برخورد آنان با این سربازان بسیار غیر انسانی است. یک سرباز انگلیسی و یا امریکائی می تواند هر سرباز و یا افسر افغان را مورد توهین و تحقیر قرار دهد و حتی آنها را زندانی بسازد. مصرف لوژستیکی اردوی پوشالی نیز زیر کنترل خارجی هاست و این لوژستیک با انواع تحقیر به افغانها سپرده می شود و به این صورت این نیروهای مسلح حق هیچ کار و تصمیم مستقلی ندارد و به این خاطر گاه گاه خشم برخی ازین سربازان چنان بر انگیزته می شود که بی آنکه به زندگی خود بیندیشند، سربازان خارجی را مورد حمله قرار می دهند و جالب است که تا حال چند موردی که ازین حملات صورت گرفته، سربازان مهاجم افغان توانسته اند که بعد از کشتن و یا زخمی کردن سربازان اشغالگر موفق به فرار شوند.

حمله اخیر این سرباز افغان بر سربازان انگلیسی، خارجی ها را به خاطری بیشتر و اخطا ساخته است که حمله کننده هزاره بوده است. خارجی ها فکر میکنند که فقط پشتونها به ضد آنان می جنگند. به علتی که در زمان امارت و قدرت طالبان، در میان هزاره ها در مزار و یکاولنگ قتل عام را به راه انداختند، لذا خارجی ها فکر نمی کردند و نمی کنند که هزاره ها به ضد شان بجنگند و حتی به این فکر اند که هزاره ها باید برای انتقام گرفتن از طالبان در

کنار آنها بایستند که با این حمله تمام این معادلات و محاسبات به گونه دیگری تعبیر شده و حال خارجی روی ترکیب اردوی پوشالی و زیر دست شان فکر می کنند که چگونه تعادل مقداری ملیتی را میان آنها در نظر بگیرند.

فساد دو چند شده است:

اخیراً سازمانی به نام «دیدبان اصالت افغانستان» طی یک تحقیق اعلان کرد که فساد در سال ۲۰۰۹ در افغانستان دو چندان شده است. این راپور که با شش هزار نفر در مناطق مختلف افغانستان مصاحبه داشته، می گوید که هر افغان درین سال برای انجام کار های شان برای دولت افغانستان ۱۸۳ دالر رشوه داده است. مجموعاً درین سال حدود یک ملیارد دالر در جهت رشوه به مصرف رسیده است. دو سال قبل همین اداره گراف رشوه در افغانستان را ۴۰۰ هزار دالر اعلان کرده بود و دیده می شود که در رژیم پوشالی سرطان فساد به چه اندازه رشد کرده است. این از خصوصیات رژیم های مزدور و وابسته است که افراد آن چیزی به نام شرف و وجدان انسانی را نمی شناسند و فقط از توده های مردم باج میگیرند. یکی از این فاسدان صدیق چکری سکتور ربانی بود که اکنون در انگلستان در پناه بادرانش قرار دارد و هرچه دولت کوشش میکند پولیس انتر پول قادر به تحویلی اش از انگلستان شده نمیتواند. و فرد دیگر نادر آتش است که در امریکا زندگی میکند و باز هم کسی برایش چیزی گفته نمیتواند. اینکه این رشوه ها توسط چه کسانی گرفته و پرداخته می شود مردم افغانستان میدانند که در آن اشغالگران و حاکمان در قدرت نقش اساسی داشته و هیچکسی برای شان حرفی زده نمیتواند. این رژیم با تمام هیاهو فقط قادر به به محاکمه کشاندن خزانه داری شده و فاسدان اصلی همچنان به کار شان ادامه میدهند و در تبنانی با خارجی ها قرار دارند، خارجی هایی که آنان را مقرر کرده و از آنان در برابر تمام اتهامات دفاع میکنند و کسی برایشان کلمه ای حرف زده نمیتواند.

ملیشیه سازی از سر گرفته شد:

اخیراً شایعاتی در افغانستان پراکنده شد که گویا دیوید پتریوس قومندان نیرو های امریکائی و ناتو با حامد کرزی بر سر تشکیل نیرو های ملیشه و اربکی اختلاف نظر پیدا کرده است. گرچه بعضی از افراد نا آگاه این را قبول کرده بودند که گویا کرزی در حدی است که توان مقابله و رویارویی با قومندان عمومی ناتو را دارد. اما این حرف های کرزی به زودی پایان یافت و روز ۱۶ جولای اعلان شد که کرزی طرح پتریوس را پذیرفته است که نیروی اربکی حمایتی پولیس فعلی را می سازد. اینکه تعداد این نیرو به چه تعداد خواهد رسید، چیزی گفته نشده است. اما آنچه مسلم است اینکه امریکائی ها برای سرکوب ملت عراق ازین نیروی مزدور خوب استفاده کرده اند و به این خاطر تلاش دارند تا این نیرو را بسازند. تجربه گذشته ملیشه سازی که مزدوران شوروی ساختند این بود که ملیت های افغانستان را به جان هم انداختند و حال کوشش میکنند تا با این به هم انداختن هم اهداف خود را در افغانستان بر آورده سازند و هم از تلفات خود بکاهند. اما مردم باور دارند که این ملیشه ها هم چون ملیشه های وطنفروشی چون دوستم گلیم جم و عصمت مسلم بر جان و مال و ناموس مردم دریغ نکرده و به جایی خواهند رسید که قدرت مهار آنها به وسیله نیرو های امریکائی هم مشکل خواهد شد چه رسد به اینکه دولت بی صلاحیت و پوشالی کنونی قادر به جلوگیری از اعمال قدرت آنها گردد.

محبس فراه شکستاده شد:

در محبس فراه که تعداد زیادی از طالبان گرفتار شده زندگی دارند و یکی از فعالیت های طالبان در اکثر ولایات این است که همکاران جنایتکار شان را ازین محابس رها سازند، لذا روز ۱۹ جولای طالبان با مواد انفجاری که از قبل از بیرون محبس تهیه کرده بودند، از درون محبس این مواد را زیر دروازه کلان محبس جابه جا کرده و ساعت دوی شب انفجار دادند که در جریان دو پولیس زخمی شد و ۲۳ تن از طالبان موفق به فرار شدند. اما قومندان امنیه فراه به زودی در شهر و نواحی آن حکومت نظامی اعلان کرد و درجریان تلاشی کوچه ها از ۲۳ طالب فراری ۱۲ تن آنان را دوباره دستگیر کرده و داخل محبس نمودند و ۱۱ تن دیگر موفق به فرار شدند. در میان دستگیر شدگان ملا عبدالله که رهبری این عملیات را به عهده داشت نیز وجود دارد. طالبان که پلان هماهنگی داشتند، در جریان این عملیات از درون محبس فراه در دو نقطه دیگر در پشترو و بالا بلوک نیز بر پوسته های دولتی حمله کردند که تلفات و خساراتی نداشت. طالبان میخواستند با حمله به این دو منطقه توجه دولت را به آنطرف معطوف دارند تا طالبان محبس به آسانی فرار کنند که دستگیری دوباره ۱۲ تن از آنان و به خصوص دستگیری ملا عبدالله تا حدی این عملیات را ناکام کرد.

انتحار در میان مکروریان ها:

صبح ۱۹ جولای یک حمله کننده انتحاری که بر بدنش مواد انفجاری بسیاری بسته بود، در نزدیکی کلینک شنو زاده که در میان مکروریان سوم و چهارم قرار دارد، حین عبور یک کاروان امریکائی خود را به آن نزدیک کرد و ضمن حمله بران یک تانک امریکائی ها را خساره مند ساخت و دو امریکائی را زخمی نمود، اما این انفجار در یک محل پر از بیرو بار باعث کشته شدن ۳ تن و زخمی شدن ۴۰ تن دیگر شد. درمیان زخمی ها بیشتر شاگردان مکتب است که با دادن امتحان ازین نقطه میگذشتند. زن بیوه ای که فقط یک فرزند داشت و پسرش در نزدیک این کلینک کار میکرد و درین انتحار به قتل رسید و مادرش که فریاد میزد هر دقیقه دچار ضعف می گشت. طالبان مسؤولیت این حمله را گرفتند و به دروغ اعلان کردند که این تعداد عساکر امریکائی را کشتند و این قدر را زخمی کرده اند، در حالیکه فقط دو سرباز امریکائی را زخمی کرده بودند. این دروغ ها را همیشه طالبان و نیرو های اشغالگر در برابر یکدیگر به کار میبردند و اگر آمار این دو از روز اول درگیری میان شان در ۲۰۰۴ ارزیابی شود باید در افغانستان و پاکستان هیچ طالبی باقی نمانده باشد و یا تمام نیرو های امریکائی و ناتو از میان رفته باشند.

کنفرانس کابل:

به تاریخ ۲۰ جولای کنفرانس بین المللی پیرامون اوضاع افغانستان در تالار وزارت خارجه تدویر یافت. درین کنفرانس که بیش از هفتاد هیأت شرکت کرده بودند. وزیر خارجه امریکا به عنوان اشغالگر درجه اول افغانستان در صدر مجلس نشسته بود. کرزی در سخنرانی افتتاحیه اش از معادن زیر زمینی افغانستان که درین روز ها سرو صدای بسیاری خلق کرده و اشغالگران اشتهای بلعیدن آنان را دارند، یاد کرد و این کشور ها را به اصطلاح تشویق کرد که درین چپاول هرچه بیشتر شرکت کنند. درین جلسه که بیش از ۵۰ نفر صحبت کردند، راسموسن منشی ملکی ناتو در حالیکه جنرال پتریوس در کنار او نشسته بود، ابراز داشت که ما در ۲۰۱۴ صلاحیت امنیت را به نیرو های امنیتی افغان می سپاریم اما هرگز این بدان معنی نیست که ما از افغانستان بیرون خواهیم شد و آنده از مزدورانی امریکائی که درین چند ماه بسیار پریشان و هراسان بودند که گویا امریکائی ها از افغانستان بیرون می شوند با این اعلان آرامش کلی خود را پیدا کردند. وزیر خارجه ایران خلاف روند عمومی گفت که نیرو های

خارجی خود به تقویت تروریزم تلاش دارند و هرچه این نیرو ها بیشتر می شوند به همان پیمانه ناامنی در افغانستان بیشتر می شود و ازدیاد تولید مواد مخدر که به قول او ۸۰ میلیارد دالر سود دارد نیز با افزایش نیرو های خارجی در افغانستان بیشتر میشود. وی به صراحت گفت که درگیری ها در شرق ایران به وسیله نیرو های خارجی مستقر در افغانستان حمایت می شود و این نیروها با همین حمایت در افغانستان و پاکستان پایگاه دارند.

درین کنفرانس که عمال غربی چون اشرف غنی احمدزی، عمر زاخیلوال، فاروق وردک، ثریا دلیل و دیگران نقش اول را داشتند، غربی ها نشان دادند که مدیران آنها در افغانستان قادر شده اند که حال چنین کنفرانس های بین المللی را مدیریت کنند. دولت کرزی ازین کنفرانس می خواهد تا مبلغ ۱۶ میلیارد دالر به او کمک کند. این کمک ها را در بخش انکشاف اقتصادی، بازسازی، حکومت داری خوب، مصالحه با طالبان و تحویل قدرت به نیرو های افغان به مصرف می رساند. تا حال ۴ کنفرانس دیگر در توکیو، برلین، لندن و پاریس نیز برگزار کرده اند و هر بار پولهایی را گدائی کرده اند. درین چهار کنفرانس ۳۵ میلیارد دالر به دولت پوشالی داده شده است که دولت فقط صلاحیت مصرف ده درصد آنها را داشته و پولهای دیگر به وسیله دوتر ها و کمپنی های خصوصی به مصرف رسانده شده است که اثرات آن بر زندگی مردم افغانستان کاملاً مشهود است!! این همه پول توسط خارجی ها و مزدوران داخلی شان به یغما رفته در حالیکه اینان همیشه نام مردم افغانستان را بر زبان می آورند.

ترس دولت پوشالی ازین بود که درین کنفرانس باز هم طالبان اخلال به وجود نیاورند و به این خاطر ۱۵ هزار نیرو را در کابل و اطراف آن مستقر ساخته، با آنهم طالبان قادر شدند که یک شب قبل سه موشک را برکابل شلیک کنند و پولیس و ریاست امنیت دو گروپ قوی طالبان را در ویسل آباد و کنار تپه نادر خان دستگیر کنند. این گروپها علاوه به مواد انفجاری به هاوان و سلاح های دیگر ثقیله نیز مسلح بودند. برای این امنیت دو روز در شهر کابل رخصتی اعلان شد و جاده ها بند و مشکلات رفت و آمد مردم را به بینی رساند و جنجال های بسیاری برای شهریان کابل به وجود آمد که هرکس در هرکنج و کنار، هم به این کنفرانس، هم به دولت افغانستان و هم به خارجی ها دشنام میدادند. برخی از روشنفکران مزدور با این برگزاری خود را رسیده به بهشت برین دانسته و از عظمت افغانستان با این کنفرانس صحبت میکردند و حال نیز این دهل و نغاره جریان دارد. در حالیکه مردم افغانستان که شناختی ازین کنفرانس ها دارند و میدانند که چه گرگان تشنه و گرسنه ای در کمین این پولها نشسته و کمپنی های اشغالگر خارجی چگونه از حالا دهن جوال را گرفته تا این پولها را بدزدند، نه تنها با تدویر این کنفرانس امید تغییری در زندگی شان ندارند بلکه با سرمایه اندوزی بیشتر ستمگران روز گار سیاه تری را نزد خود تصویر میکنند.